



رژیم صهیونیستی یکی از بازیگران مخرب نقش آفرین در درگیری‌های اخیر قره‌باغ است /حمید خوش‌آیند

بحران قره‌باغ کماکان همانند یک آتش پنهان در زیر خاکستر عمل می‌کند. صحنه‌ی قره‌باغ که در طول قریب به ۳۰ سال گذشته به طور سنتی و معمولاً در بهار و تابستان شاهد نقض آتش‌بس و درگیری‌های پراکنده است، در تابستان امسال نیز شاهد وقوع درگیری‌هایی شده است.

آران نیوز: اتفاقات اخیر قره‌باغ و درگیری‌های دوجانبه بین نیروهای باکو و ایروان که از منطقه مرزی طووز آغاز شد، متأثر از عوامل مختلفی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است که توجه به هر سه سطح می‌تواند یک تحلیل دقیق و ارزیابی واقع‌بینانه در خصوص ابعاد و زوایای درگیری‌های قره‌باغ به دست دهد که در ادامه فقط به گذاره‌های قابل‌شناسایی در این باره اشاره می‌شود:

عوامل داخلی

انحراف افکار عمومی داخلی در آذربایجان از مسائل اصلی این کشور در زمینه مشکلات اقتصادی و ناتوانی دولت علی‌اف در مدیریت مسائل سیاسی و نظامی و عدم برخورداری از قدرت لازم در زمینه بازپس‌گیری مناطق اشغالی از دست رفته یکی از عوامل موثر در تحلیل اتفاقات اخیر قره‌باغ است. در ارمنستان نیز دولت نیکول پاشینیان از طریق این درگیری و نمایش قدرتش می‌خواهد بگوید که وی برخلاف تمام روسای پیشین از قدرت و انگیزه قوی برای مدیریت بحران قره‌باغ برخوردار است.

عوامل منطقه‌ای

گزارشات دقیقی وجود دارد که نشان می‌دهد، رژیم صهیونیستی یکی از بازیگران مخرب نقش آفرین در درگیری‌های اخیر قره‌باغ است. رژیم صهیونیستی که از نفوذ امنیتی عمیقی در باکو برخوردار است، طی توافقات پشت‌پرده‌ای که با دولت ارمنستان داشته است، اطلاعات ارزشمندی از اسرار نظامی جمهوری آذربایجان را از طریق آریه‌گوت مستشار اسرائیلی در دولت آذربایجان، در ازای افتتاح سفارت اسرائیل در ایروان به ارمنستان داده است که این اطلاعات باعث انجام تحرکاتی از طرف ارمنستان گردیده و به درگیری کشیده شده است.

عوامل بین‌المللی

در سطح کلان نیز می‌توان اتفاقات قره‌باغ را متأثر از رقابت ژئوپلیتیکی روسیه و آمریکا در منطقه قفقاز دانست که بعضاً به منازعات درون منطقه‌ای نیز همان‌طور که در قره‌باغ می‌بینیم کشیده می‌شود. در این خصوص بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که روسیه برای سد کردن زیاده‌خواهی‌ها آمریکا در حوزه قفقاز که بخصوص در حوزه گرجستان و ارمنستان به نفع واشنگتن تمام شده است، ابتکاراتی را از جانب جمهوری آذربایجان به کار خواهد بست. چرا که در سال‌های اخیر دست‌اندازی‌های آمریکا به قفقاز چه به لحاظ معادلات نظامی و حضور و مانورهای ناتو در گرجستان و چه به لحاظ به قدرت رسیدن نیروهای غربگرا در ارمنستان، پیشروی‌هایی را برای واشنگتن دربر داشته است و خواه ناخواه روسیه برای سد کردن آن اقدام می‌کند.

از این نقطه نظر، تجربه هم‌نشان داده و در تاریخ هم به اثبات رسیده است که گسترش حضور بیگانگان در قفقاز که در مقطع اخیر نیز در حضور اسرائیل و سایر بازیگران اجنبی در قفقاز تبلور یافته است، مسیری جز تشدید تقابل‌ها و ایجاد درگیری‌های خونین و فیزیکی را در این منطقه نمی‌تواند ببیماید. درگیری اخیر میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان را نیز در همین چارچوب باید تحلیل کرد.

نکته پایانی

به هر آنچه روشن است توجه به این نکته است که منطقه قفقاز به دلایل متعددی از جمله رقابت‌های درون منطقه‌ای، خریدهای کلان تسلیحاتی، رفتارهای مشکوک و ناعادلانه گروه مینسک و معادلات ناشی از رقابت‌های جهانی به یک انبار باروت می‌ماند که فقط به کشیدن یک چوب‌کبریت وابسته است. واقعاً با کدام منطق نظامی قابل‌تحلیل است کشور کوچکی مانند آذربایجان که از مشکلات پنهان و آشکار اقتصادی رنج می‌برد بیش از ۶ میلیارد دلار تسلیحات اسرائیلی و ۶ میلیارد دلار تسلیحات روسی را در خود جای داده است و ارمنستان نیز به این شکل!